

زیرساخت های حقوقی مناسب جهت توانمندسازی کسب و کارهای خرد و متوسط

سیده ارمغان اظهر

کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

چکیده

بانک جهانی همه ساله گزارشی در قالب *doing business* از تعداد ۱۸۹ کشور تدوین می‌نماید و در آن شاخص‌هایی مانند اخذ اعتبار، آغاز کسب‌وکار، ثبت مالکیت، دریافت مجوزهای ساخت و ساز، دریافت نیروی برق، انحلال فعالیت، حمایت از سرمایه‌گذاران و پرداخت مالیات‌ها، رتبه کشورها را در سطح جهانی مشخص می‌نماید. متأسفانه کشور ایران در سال ۲۰۱۶، در بسیاری از شاخص‌ها به طور خاص، افت جایگاه داشته است. سیاست‌های عام و خاص در بخش‌های دولتی، تضاد قوانین، نبود دادگاه‌های اختصاصی، ضعف سیستم قضایی و اداری بخشی از موانعی بوده‌اند که توسط نهادهای ذیربط شناسایی شده‌اند. در این راستا هر چند در سال‌های اخیر نهادهای ذیربط بر آن شده‌اند تا به رفع موانع موجود بر سر کسب و کارها بپردازند، با این حال به نظر می‌رسد ضرورت دارد موانع قانونی موجود بر سر کسب و کارها به نحو دقیق‌تری مورد بررسی قرار گیرند. لذا در این پژوهش به بررسی موانع قانونی موجود بر سر راه کسب و کارها پرداخته و راهکارهای زودبازده و کلان بهبود این کسب و کارها پیشنهاد شده است که عمده این پیشنهادات در بخش قانونی و حقوقی شامل بهبود محیط قضایی و رسیدگی‌های قضایی، از بین بردن ریشه‌ای فساد اداری و فساد در دستگاه‌ها، روان‌سازی و انعطاف‌پذیری قانون کار، الزام دولت به عملیاتی کردن الگوی پنجره واحد کسب‌وکار، بهبود شرایط قانونی لازم برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی، اتخاذ برنامه‌های راهبردی برای پرداخت معوقات دولت به نهادهای داخلی، اصلاح سیاست‌های اقتصادی، بهبود قوانین بانکی و پولی، تسهیل دریافت اعتبار برای دارندگان کسب‌وکار و در نهایت حمایت صحیح از سرمایه‌گذاران در جهت حرکت به سوی اقتصاد آزاد می‌باشد. در بخش‌های دیگر نیز توصیه می‌شود زیرساخت‌های فناوری و صنعتی در بخش‌های اصلی و فرعی ارتقا پیدا نموده و همکاری کارشناسان داخلی و خارجی جهت به روز نمودن آموزش‌های فناوری، کارگاهی، مدیریتی و آموزش‌های حین کار تقویت شود.

واژه‌های کلیدی: رتبه‌بندی سالانه بانک جهانی، زیرساخت‌های حقوقی، قوانین حاکم بر کسب‌وکارها، کسب‌وکارهای خرد و متوسط، موانع قانونی.

مقدمه

بخش خصوصی نظام اقتصادی ایران همواره با مشکلات عدیده ای به خصوص در بخش اصناف و بنگاه ها روبه رو بوده است. از آنجا که توجه نهادهای بین المللی و بالاخص بانک جهانی در قالب **doing business** (دوئینگ بیزینس) بر رتبه بندی کشورها بر اساس مقررات حاکم بر فضای کسب و کار است، رتبه ایران در این ارزیابی در سطح پایینی قرار داشته است. از جمله عوامل تاثیرگذار بر این رتبه، فاصله زمانی بین اراده تا تشکیل یک بنگاه اقتصادی در ایران است. همچنین برخی سیاست های عام، قوانین خاص، مقررات غیر از مقررات کسب و کارهای خرد و متوسط، آیین نامه ها و حتی قوانین فرهنگی و اجتماعی، فضای کسب و کار ایران را دستخوش این تغییر کرده است تا جایگاه آن بدین سان تنزل یابد. بانک جهانی همه ساله گزارشی در قالب **doing business** از تعداد ۱۸۹ کشور تدوین می نماید و در آن شاخص هایی مانند اخذ اعتبار، آغاز کسب و کار، ثبت مالکیت، دریافت مجوزهای ساخت و ساز، دریافت نیروی برق، انحلال فعالیت، حمایت از سرمایه گذاران و پرداخت مالیاتها، رتبه کشورها را در سطح جهانی مشخص مینماید. متأسفانه هرچند کشور ایران در سال ۲۰۱۶، به صورت کلی یک واحد ارتقاء رتبه داشته است و در جایگاه ۱۱۸ جهانی در این سال بوده است، در بسیاری از شاخص ها به طور خاص، افت جایگاه داشته است. سیاست های عام و خاص در بخشهای دولتی، تضاد قوانین، نبود دادگاه های اختصاصی، ضعف سیستم قضایی و اداری بخشی از موانعی بوده اند که توسط نهادهای ذیربط شناسایی شده اند. در این راستا هرچند در سالهای اخیر نهادهای ذیربط مانند وزارت های اقتصاد، وزارت بازرگانی، وزارت کار، کمیسیون کسب و کار و اتاق های بازرگانی بر آن شده اند تا به رفع موانع موجود بر سر کسب و کارها بپردازند، با این حال به نظر میرسد ضرورت دارد موانع قانونی موجود بر سر کسب و کارها به نحو دقیق تری مورد بررسی قرار گیرند تا موارد تداخل، تناقض، نقص، ابهام، اجمال و بعضاً نبود قوانین مشخص شود. لذا هدف از این پژوهش بررسی سیاست های عام و قوانین خاص تاثیرگذار بر کسب و کارهای خرد و متوسط اعم از قوانین اقتصادی مالی، قوانین و مقررات ناظر به کار و سرمایه گذاری، قوانین و مقررات حمایتی از کسب و کارهای خرد و متوسط، از یک سو و قوانین و مقررات اجتماعی و فرهنگی از سوی دیگر است. فرضیه های این تحقیق بدین شرح می باشند: فرضیه اصلی: برای توانمند سازی کسب و کارهای خرد و متوسط در ایران، علاوه بر تغییر و اصلاح قوانین و مقررات ناظر به فعالیت این گونه بنگاه ها، به ویژه مقررات ناظر به ساختار اداره بنگاه های مربوطه برخی قوانین فرهنگی و اجتماعی نیز باید متناسباً تغییر نمایند. فرضیه فرعی ۱: ثبات در قوانین و انعطاف پذیری، به حداقل رساندن زمان تشکیل بنگاه اقتصادی، حمایتی بودن قوانین و شفاف بودن آنها و کمتر شدن نقش رقابتی دولت و پر رنگ تر شدن نقش بنگاه ها برای کارآفرینی از جمله ویژگی هایی است که باید در این قوانین وجود داشته باشد. فرضیه فرعی ۲: با توجه به تعریف و تفکیک مبهم قانونگذار از تاجر و کسبه جزء و آثار مترتب بر هریک از اینها از جمله ورشکستگی و الزامی بودن دفاتر تجاری، به نظر می رسد ملاک های روشن و پیامدهای شفاف برای دسته بندی تاجر و بنگاه های خرد و متوسط، نیازمند ارائه است.

پیشینه پژوهش

گروه G20 در سپتامبر ۲۰۰۹ جلسه ای برای بهبود وضعیت تامین مالی مصرف کنندگان خانگی و SMEها ترتیب دادند و کارگروهی را مسئول بررسی دسترسی هرچه بیشتر این کسب و کارها به خدمات مالی در کشورهای در حال توسعه نمودند. در این بررسی پیشنهاداتی در سه حوزه: ۱. قانونگذاری، تنظیم آیین نامه و نظارت؛ ۲. زیرساخت های مالی؛ ۳. مداخله دولت و مکانیسم های حمایتی ارائه شده است. در ایران نیز در مطالعه ای که توسط موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی انجام شده است، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران موظف گشته است با همکاری و حضور اتاق تعاون مرکزی و شورای اصناف کشور، قوانین و مقررات محل بخش تولید، سرمایه گذاری و صادرات را شناسایی و به کمیته ای متشکل از دو نفر از هر قوه که منتخبین رئیس آن قوه هستند گزارش نماید. الزامات حقوقی، نهادی و رویه هایی که در این تحقیق جهت توانمند سازی بخش های خصوصی و تعاونی مشخص شده اند عبارتند از: ارتقای سطح توان نیروی انسانی، تدارک فضای رقابتی و ارتقای بهره وری،

تقویت تشکل های صنفی (نهاد های مدنی)، تدارک نظام اعتباری و مالی مناسب از طریق تشکیل بانک های تخصصی توسعه ای، به روز رسانی سطح فناوری موجود که در این مطالعه محدودیت ها، اقدامات و دستگاه های مسئول نیز معرفی شده اند.

تعریف کسب و کارهای خرد و متوسط

کمیته اروپایی در خلاصه توصیه های خود در جلسه مورخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۲ در ماده ۱، بنگاه اقتصادی را بدین ترتیب تعریف می نماید: "یک بنگاه اقتصادی، یک نهاد فعال در یک فعالیت اقتصادی است." تعریف رسمی دولت ایالات متحده آمریکا از کسب و کارهای خرد و متوسط^۱ بدین نحو است: "بنگاهی که کمتر از ۵۰ پرسنل داشته باشد یک بنگاه کوچک و متوسط است (شرکت مهندسی مشاور حاسب سیستم، ۱۳۹۰)." مرکز آمار ایران کسب و کارها را به چهار گروه طبقه بندی کرده است؛ کسب و کارهای دارای ۹-۱۰ کارگر، ۴۹-۱۰ کارگر، ۹۹-۵۰ کارگر و بیش از ۱۰۰ کارگر (آمار سال ۱۳۷۸). بانک مرکزی ایران نیز کسب و کارهای زیر ۱۰۰ نفر نیروی کار را به عنوان بنگاه های کوچک و متوسط تلقی می کند (قیصری، ۱۳۹۰). این بنگاه ها مسئول ایجاد نوآوری و رقابت در بسیاری از بخش های اقتصادی هستند. البته باید توجه کرد این بنگاه ها در کشورهای مختلف تعاریف متفاوتی دارند که تابع شرایط اقتصادی و صنعتی حاکم است. سهم این کسب و کارها در اقتصاد کشورها به حدی چشمگیر است که هم اکنون بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به SMEها و بنگاه های خرد و متوسط متکی هستند. ایالات متحده آمریکا، چین و هند از جمله کشورهایی هستند که اقتصادی بر پایه SME دارند. باید دانست کسب و کارهای خرد و متوسط از اصلی ترین منابع ایجاد شغل در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه محسوب می شوند و به دلیل سهم مهمشان در اشتغال و توسعه اقتصادی برای دولت ها از اهمیت فراوانی برخوردار هستند (بیدختی و زرگر، ۱۳۹۰). به همین دلیل در حال حاضر، در کشورهای مختلف جهان، سیاست های معطوف به گسترش صنایع کوچک و متوسط، بسیار حائز اهمیت است. در حقیقت سطح توسعه یافتگی یک کشور از نظر اقتصادی، با گسترش و اتکا صنعت بر بنگاه های خرد و متوسط رابطه مستقیم دارد. لذا سیاست گذاری مناسب در جهت پیشرفت این بنگاه ها نقش اساسی در توسعه اقتصادی-اجتماعی هر کشور دارد (ویلکینسون، برادرز، ۲۰۰۶).

شناسایی قوانین و مقررات حاکم بر کسب و کارهای خرد و متوسط

از زمان اراده برای تشکیل یک بنگاه اقتصادی تا شروع فعالیت و پیشروی در کار و حتی تا انحلال کار یا ورشکستگی، یک کسب و کار با انواع و اقسام متفاوتی از قوانین و مجوزها روبه روست که میتواند عامل یا عاملان یک کسب و کار را با اخلاص در پیشروی یا به عکس تسهیل فرایند تجارت روبه رو سازد. سازمان کسب و کار نیز فعالیت های اقتصادی ای را مورد حمایت مناسب قوانین می داند که در آنها حقوق مالکیت شفاف، هزینه ها و زمان رسیدگی به حل اختلاف پایین، تعاملات اقتصادی قابل پیش بینی و طرفین قرارداد از سوءاستفاده تجاوز متجاوزین محفوظ باشند (خلیلی، ۱۳۹۴). وجود پراکندگی در قوانین و بعضاً تعارض در قوانین میتواند پیشرفت یک کسب و کار و چه بسا حتی شروع آن را با مشکل روبه رو سازد. آماری در حدود فعالیت بیست درصدی اقتصاد زیرزمینی در ایران، گواهی بر این مدعاست که وجود فعالیت های اخلاقی از راه های غیر قانونی تا چه حد از مجوزها و قوانین وقت گیر و هزینه بر ناشی شده است.

چالش های پیش روی کسب و کارهای خرد و متوسط

از لحاظ پراکندگی قوانین و بعضاً پیچیدگی و دشواری مراحل کسب و کار در ایران، جایگاه جهانی ایران به قعر جدول سقوط کرده است. در کشور ما با وجود تعداد فراوان صنایع کوچک و متوسط در ساختار صنعتی (حدود ۹۵ درصد)، این واحدها با

^۱ از این پس آنها (Small and Medium Enterprises) SME نامیده می شوند.

معضل های متعدد و عقب ماندگی های فراوانی روبه رو است، به نحوی که از ایفای نقش راهبردی مورد انتظار برای آنها همچون کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه ناتوان مانده است و با کمبودهای شدیدی مواجه می‌شوند (مظفری، ۱۳۸۶). در زیر برخی از کمبودهای مذکور بیان می‌شود (بیدختی و زرگر، ۱۳۹۰): فقدان مقیاس های لازم از جنبه های مختلف سرمایه، تولید و بازار، فقدان محیط های مناسب رشد کسب و کار از جنبه های مختلف حقوقی، فقدان زیرساخت های نرم افزاری و تشکیلاتی، تولید با فناوری های قدیمی و عدم دسترسی به فناوری های نوین، فقدان ارتباط منسجم با شبکه های بانکی و مالی کشور، نبود شبکه های همکاری میان بنگاهی و عدم شناخت از بازارهای هدف.

چالش های غیر حقوقی

منظور از این چالش ها مواعی هستند که به دلایلی غیر از قانون، شرایط ایجاد و ادامه یک کسب و کار را با سختی روبه رو می‌سازند. مشکلات مالی شاید یکی از مهم ترین این مشکلات باشند. سطح نامطلوب استاندارد و کیفیت محصولات تولیدی بنگاه های کوچک و متوسط، سطح نامطلوب هزینه های تولید در بنگاه های کوچک و متوسط صنعتی، عدم توانایی بنگاه های کوچک و متوسط صنعتی در حوزه شناخت بازارها و دانش بازاریابی، وضعیت نامطلوب بسته بندی محصولات تولیدی بنگاه های کوچک و متوسط صنعتی، ضعف نظام حمل و نقل کالا در استان، عدم برخورداری از حمایت های فنی و اطلاع رسانی، عدم برخورداری از از حمایت های مدیریتی و تجارتي بخش دیگری است از موانع پیش روی بنگاه ها در کشور عزیزمان است.

موانع مربوط به بازار

همسو نبودن دستگاه های اقتصادی کشور برای اجرای سیاست های بازار کار (عدم هماهنگی بازارهای اقتصادی پول، سرمایه، کالا و خدمات و کار با یکدیگر) یکی از مهم ترین موانع مربوط به بازار است. به نظر می‌رسد نسبت پایین سهم نیروی کار از درآمد ناخالص ملی، عامل درجه اول در نرخ بالای بیکاری در ایران است. برای مثال اگر سیاست های دولت در یک بازه ۵ ساله بتواند سهم نیروی کار از تولید را به رقم قابل دسترسی ۳۰ درصد برساند، یعنی سهم نیروی کار از درآمد ناخالص ملی ۲۰ درصد افزایش یابد، به این ترتیب با فرض ثابت ماندن تولید و نیز ثبات دستمزدها، به اندازه کل تعداد افراد جویای کار که هم اکنون بیکار هستند، شغل جدید ایجاد می شود. همچنین لازم است بازسازی و اصلاح بسیاری از ساختارهای بازار کار انجام شود. بدین منظور ضرورت بسته سیاستی - نظارتی حکمرانی در بازار کار ایجاد می‌نماید که ظرفیت ایجاد هماهنگی از طریق بازارکار، دولت و نهادهای مدنی افزایش یابد و دستیابی به کار شایسته میسر شود. در حال حاضر اتخاذ سیاست های بهبود فضای کسب و کار و خلق فرصت های شغلی به تنهایی نمی‌تواند به بهبود بازار کار کمک کند (دلجویی، ۱۳۹۲).

موانع مالی

بزرگترین مشکل کسب و کارها در ایران، تامین مالی و کسب اعتبار از بانکها و موسسات تامین مالی است. کمبود بازدهی فعالیت های اقتصادی، فقدان امنیت سرمایه گذاری در صنایع کوچک، نامناسب بودن سیاست های پولی و مالی و همچنین پرهزینه بودن قوانین و مقررات موجود در فعالیت های اقتصادی از علل پائین بودن سرمایه گذاری در کشور می باشد. تامین مالی در بخش صنعت، همواره یکی از مشکلات مهم گریبانگیر صاحبان صنایع بوده است. به نحوی که صنعتگران و متولیان بخش صنعت در دولت، کمبود نقدینگی را به عنوان مهم ترین معضل این بخش برشمرده اند. این کمبود نه تنها در مورد تامین منابع لازم برای سرمایه گذاری، بلکه حتی در برخی موارد در بخش درباره تامین سرمایه در گردش نیز مطرح بوده است و به عنوان مهم ترین عامل ناتوانی صنایع در گردش صحیح مالی و نوسازی ماشین آلات مطرح شده است. بروز مشکل فوق دقیقاً در زمانی که دولت تلاش کرده است تا از طریق الزام بانکها به اعطای تسهیلات تکلیفی با نرخ بهره های کم کمک کند، محل تامل است. متأسفانه ابزارهای مالی متناسب برای تامین مالی مورد نیاز بخش صنعت، به نحو مناسبی توسعه نیافته اند. ابزارهای نوین مالی همچون سهام ممتاز، اختیار معامله و قراردادهای آتی نیز به صورت رسمی و سازمان یافته در بازار سرمایه ایران

موجود نیست. این ابزارها با توجه به نقشی که در انتقال ریسک دارند، در صورت فراهم شدن، باعث تشویق افراد بیشتری برای شرکت در بازار سرمایه می شوند.

چالش‌های حقوقی

یکی از فرضیات سازمان انجام کسب و کار این است که آن گروه از فعالیت‌های اقتصادی مورد حمایت قوانین مناسب هستند که در آن‌ها حقوق مالکیت شفاف، هزینه‌ها و زمان رسیدگی به حل اختلاف پایین، تعاملات اقتصادی قابل پیش بینی و طرفین قرارداد از سوءاستفاده و تجاوز متجاوزین محفو باشند. در شاخصهای بانک جهانی، محیط قانونی شامل موارد زیر است: شاخص اخذ اعتبار، شاخص اخذ مالیات، شاخص اخذ مجوزهای خاص، شاخص اشتغال، شاخص پایان کسب و کار، شاخص تجارت فرامرزی، شاخص حمایت از سهامداران اقلیت، شاخص شروع کسب و کار، شاخص لازم الاجرا بودن قراردادهای، شاخص نقل و انتقال مواد. بر اساس گزارش بانک جهانی، رتبه ایران در زمینه کنترل فساد در سال ۲۰۱۲، از ۲۰۲ کشور، ۱۶۴ بوده است. در زمینه کیفیت تضمین اجرای قانون، در همین سال از بین ۲۰۲ کشور، جایگاه ایران در رتبه ۱۹۶ قرار داشته است. در زمینه ریسک سیاسی نیز با وجود پیشرفت، در سال ۲۰۱۵، رتبه ۱۰۹۹ را از بین ۱۴۰ کشور اتخاذ نموده است. در مطالعه ای مقایسه رتبه بندی نماگرها در سطح ملی انجام شد و عدم قابلیت پیش بینی سیاست‌های اقتصادی دولت، میزان حمایت تأمین اجتماعی از کارگران، ضمانت اجرای قوانین و مقررات، قانون کار، تغییرهای تعرفه، میزان حمایت تأمین اجتماعی از کارفرمایان اجباری، قابل اجرا بودن مقررات دولتی، درجه استقلال بانک مرکزی از فشارهای سیاسی...، انعطاف پذیری بازار و نیروی کار، نرخ بیمه، نرخ کل مالیات، مقررات سهولت تأسیس کسب و کارهای جدید، تغییرات دایم مقررات، گستردگی و تنوع بازارهای مالی، اندازه دولت، محدودیت‌های مربوط به مقررات جذب سرمایه خارجی، قانون تجارت، خلاءهای قانونی برای عدم پرداخت مالیات، قانون ورشکستگی، احتمال توقی اموال و دارایی‌ها (سلب مالکیت) به ترتیب بیشترین تا کمترین موانع قانونی ملی محیط کسب و کار را نشان می‌دهد.

موانع قضایی و سازوکارهای حل و فصل اختلافات

یکی از موانع اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، وجود برخی ناامنی‌های قضایی است و بهداشت قضایی را می‌توان یکی از بزرگترین زمینه‌های اجرای این سیاست‌ها برشمرد. بسیاری از مشکلات غیرقضایی نیز ریشه در فقدان بهداشت قضایی دارد. برای حمایت از مالکیت‌های مشروع، جلوگیری از باج‌گیری برخی دستگاه‌ها و جلوگیری از رانت‌خواری‌های برخی دستگاه‌های اجرایی، باید یک مرجعی وجود داشته باشد که وقتی یک سرمایه‌گذار به آن مراجعه کرد، بدانند به حقش خواهد رسید و این مرجع اجازه ظلم را حتی به عالی‌ترین دستگاه اجرایی کشور هم نمی‌دهد. البته در حال حاضر عدم وجود دادگاه اختصاصی برای حل و فصل اختلافات تجاری یکی از چالش‌های مهم قضایی به شمار می‌رود. هم‌اکنون این وظیفه بر عهده دادگاه‌های عمومی است که رسیدگی به این دعاوی را بسیار طولانی می‌نماید. از روش‌های حل و فصل اختلافات ارجاع دعوی به داوری می‌باشد. در سطح بین‌المللی کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸، با ارائه قواعد مشخص و یکسان، سبب حل و فصل دعوی و تشخیص دادگاه صلاحیت‌دار شده است. ارجاع به داوری بدون گذر از سیستم پیچیده‌ی قضایی و صادر شدن رأی در کشوری و اجرای آسان و بدون دردسر آن در کشور دیگر از مزیت‌های بسیار مهم این کنوانسیون است؛ بنابراین کنوانسیون نیویورک بین دادگاه‌های مختلف کشورها هماهنگی ایجاد کرده است و لذا در صحنه‌ی جهانی با استقبالی بی‌نظیر رو به رو بوده است. واقعیت این است که تمایل برای اجرای آرای داوری در میان کشورها نسبت به اجرای آرای احکام دادگاه خارجی زیادت‌تر است. تاکنون ۱۳۶ کشور به عضویت این کنوانسیون در آمده‌اند. با این وصف، ایران تا سال ۱۳۸۰ به هیچ یک از عهدنامه‌های مهم چند جانبه در این زمینه ملحق نشده بود از جمله کنوانسیون نیویورک. اجرای آرای داوری تنها محدود به چندین عهدنامه‌ی دو جانبه بود که محدود به روابط خاص ایران با کشوری دیگر می‌شد. البته قانون داوری تجاری ایران مصوب ۱۳۷۶، برای حل و فصل اختلافات در زمینه روابط تجاری رو به رشد در کشورهای همجوار و آسیای میانه و در نتیجه رشد روابط تجاری با آنها

باب تازه ای را می‌گشود. ماده ی ۶ همین قانون که به دیوان داوری در غیر پایتخت و دادگاه صالحه اشاره کرده است و همچنین قوانین احوال شخصیه ایران می‌توان گفت که این قانون فقط نسبت به داوری های بین المللی که محل و مقر آن ایران باشد اعمال می‌شود (موسوی، ۱۳۷۹). لذا با وجود قانون داوری تجاری بین المللی، هنوز محدودیت های بسیاری برای تجار ایران جهت مقرر کردن شرط داوری و تنظیم موافقت نامه داوری وجود دارد.

موانع مربوط به عدم عضویت ایران در WTO

عضویت ۱۲۸ کشور در سازمان تجارت جهانی تا ژوئن ۱۹۹۵ و در دستور کار قرارگرفتن بیش از ۲۸ کشور دیگر، شامل روسیه و چین که بیش از ۹۰٪ تجارت جهانی کالا و خدمات در اختیار آنهاست، شاید دلیل کافی برای پیوستن یک کشور به سازمان تجارت جهانی باشد. بررسی اصول سازمان تجارت جهانی نشان میدهد که بنیان گذاران این سازمان کوشیده اند ثبات، قابل پیش بینی بودن، کم خطر بودن، اطمینان بخش بودن، بر روابط اقتصادی بین المللی حاکم گردد و فعالان صحنه اقتصاد در شرایط یکسان رقابت خود را بر روی متغیرهای اقتصادی مانند قیمت، مرغوبیت، ارائه خدمات سریع تر بعد از فروش، توجه بهتر به سلیقه مصرف کننده و غیره معطوف نمایند. آزادی تجارت و دادوستد پی آمد آن یعنی تقسیم کار و تخصص، پیدایش برتری های نسبی و استفاده بهینه از منابع در سطح جهانی، تنها در یک نظام اقتصاد آزاد امکان پذیر است. مزایای عضویت برای ایران، دسترسی رقابت آمیز به بازارهای جهانی، افزایش صادرات صنعتی و غیرصنعتی، تشخیص بهینه منابع و بروز مزیت های نسبی، کاهش تسلط دولت بر اقتصاد، استفاده از امتیازات خاص ممالک در حال توسعه می‌باشد. البته منتقدان همچنان بر این باورند که در صورت عضویت ایران، کنترل دولتهای غربی بر منابع داخلی افزایش می‌یابد یا مثلاً در صورت پیوستن ایران به سازمان جهانی مالکیت فکری، قیمت کتاب برای اقشار کم درآمد افزایش می‌یابد و به صنایع داخلی نیز لطمه شدیدی وارد می‌آید. همچنین ارزش های اسلامی و اخلاق عمومی نیز مورد تهدید قرار خواهد گرفت. باید اشاره کرد با توجه به منابع عظیم نفت و گاز کشورمان و البته کالاهای غیرنفتی و همچنین امکان توسعه گردشگری و رونق صادرات، این عضویت در درازمدت میتواند به سود تجار ایرانی باشد. سازمان کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل در گزارش سالانه خود در سال ۲۰۰۶، ایران را جز، کشورهایی معرفی نمود که به جهت برخورداری از ذخایر عظیم نفت و گاز و ذخایر معدنی، موقعیت برای ترانزیت کالا و دسترسی آسان به نیروی کار ماهر و تحصیل کرده زمینه برای ارتقاء رتبه در حد ۱۰ تا ۱۳ را دارد. بررسی ها نشان میدهد شاخص عملکرد ایران در جذب سرمایه گذاری خارجی در مقایسه با متوسط جهانی و همچنین در مقایسه با کشورهای منطقه فاصله زیادی دارد. شاخص عملکرد بر حسب متوسط جهانی بیش از ۱۷ برابر و بر حسب متوسط کشورهای مورد مطالعه واقع در آسیای جنوب غربی بیش از ۲۱ برابر شاخص عملکرد ایران در جذب سرمایه گذاری خارجی است (تکیه و همکاران، ۱۳۸۷).

راهبردهای کلان جهت بهبود محیط کسب و کار

با توجه به اینکه یکی از مهم ترین ابزارهای حمایت از فعالان اقتصادی، بهبود قوانین و مقررات است، لازم است قوانین و مقررات کسب و کار شامل قوانین نیروی کار، مالیات، تجارت، اعطای وام، شفاف تر، با ثبات تر و ساده تر شود تا بستر لازم برای ظهور کارآفرینان بالقوه فراهم شود. کارآیی نظام قضایی در الزام آور بودن قراردادهای یکی از مهم ترین شاخص هایی است که چه در تحلیل بانک جهانی و چه در تحلیل کارشناسان داخلی نامناسب ارزیابی شده است. هرچند از نظر مرکز پژوهش های مجلس، رتبه ایران از نظر قضایی رتبه قابل قبولی است و نسبت به کشورهای منطقه مراحل قضایی کمتر و هزینه پایین تری دارد (نصیری اقدم، ۱۳۸۸). عمده پیشنهادات توسط متخصصان داخلی در این زمینه عبارت اند از: تعهد مدیران ارشد کشور در جهت بهبود محیط کسب و کار کشور، بهبود بسترهای قانونی، بهبود دسترسی افراد به بازارها و منابع مالی مورد نیاز برای راه اندازی و رشد شرکتهای، بهبود شرایط عمومی اقتصادی کشور (داریانی و همکاران، ۱۳۸۸).

دگرگونی در رویکرد و سیاست‌ها

بسیاری از مشکلات کنونی اقتصاد کشور، شامل پدیده رکود تورمی عمیق با تورمهای فزاینده - به گونه ای که بی سابقه ترین رکود تورمی پنجاه سال اخیر تاریخ اقتصادی کشور را تجربه مینماییم (نرخ رشد اقتصادی منفی، بالا بودن نرخ بیکاری به خصوص جوانان تحصیلکرده نرخ اندک و ناچیز جذب سرمایه گذاری خارجی و فرار سرمایه ها از کشور و ...) معلول نامناسب بودن محیط کسب و کار اقتصاد کشور است. به گونه ای که مصداق آن را در سقوط مستمر و دومینووار رتبه های کسب و کار کشور در گزارشات سالانه بانک جهانی شاهد هستیم. توجه جدی و اساسی به عوامل و متغیرهای نهادی در سطح خرد و کلان در اقتصاد کشور از جمله راهکارهای مهم در زمینه تسهیل محیط کسب و کار به شمار میآید چرا که تصریح متغیرهای خرد و کلان نهادی بر رشد اقتصادی بالاتر از متغیرهای قیمتی بوده و متغیرهای قیمتی در شرایطی یاسخگوی نیازهای رشد سرمایه گذاری و رشد اقتصادی هستند که شرایط و متغیرهای نهادی، نظیر حکمرانی خوب و محیط مناسب کسب و کار وجود داشته باشد. افزایش شفافیت در سیاستگذاریها و تصمیمات اقتصادی دولت و رعایت اعتدال و پرهیز از شتابزدگی در سیاستگذاری- های اقتصادی و خودداری دولت از تغییر ناگهانی سیاستهای اقتصادی، کارآمدسازی نهاد دولت در مجموعه اقتصاد ملی و تقویت بخش خصوصی و کاستن از دیوان سالاری و بروکراسی های عریض و طویل اداری و دولتی، اصلاح ساختار نظام قضایی کشور و کارآمدسازی آن جهت بهبود وضعیت امنیت اقتصادی و سرمایه گذاری، تنها بخشی از تغییر رویکردهایی است که لازم است در سیاست ها انجام گیرد.

نقش مالیات در بهبود فضای کسب و کار

امروزه بررسیها و مطالعات نشان می دهد عوامل محیطی در برخی از کشورها هزینه ی تولید را نزدیک به ۳۰ درصد افزایش داده، در حالیکه در کشورهایی که فضای کسب و کار آنها مناسب تر است، هزینه های محیطی به حدود ۵ درصد کاهش می یابد. بهبود فضای کسب و کار در حال حاضر به عنوان یک راهبرد اقتصادی شناخته شده است این راهبرد در واقع مکمل راهبرد خصوصی سازی است و حتی برخی نیز بر این باورند که رفع موانع فضای کسب و کار لازمه موفقیت و سرعت در امر خصوصی سازی است. همچنین، بهبود فضای کسب و کار می تواند منجر به ایجاد فعالیتهای متکی بر کارآفرینی شود. صاحب نظران و اقتصاددانان علل ضعف اقتصاد ملی ایران را بیشتر مشکلات ساختاری و نامساعد بودن شرایط تولید می دانند. ضمناً فضای کسب و کار کشور ما تحت تاثیر تحریمهای بین المللی، رکود تورمی و عوامل دیگر به ضعف دچار شده و نیاز به سیاست گذاری مناسب برای تقویت دارد تا بتواند فضای اقتصادی کشور را رقابتی نماید و بدینوسیله در فضای پر رقابت بیشترین منافع اقتصادی را برای کشور به ارمغان آورد. با عنایت به اینکه همواره برنامه رهایی تدریجی از اقتصاد نفتی و نیز برجسته کردن نقش مالیات در اداره امور کشور مورد توجه دولتمردان و مردم بوده است و از آنجائیکه از یکسو درآمدزایی دولت از محل اخذ مالیات بیشتر به توسعه همه جانبه اقتصادی چون رشد فضای کسب و کار، افزایش سطح تولید کیفی، اشتغال و از همه مهمتر جذب سرمایه گذار خارجی در ایجاد پروژه ها و طرحهای بزرگ و کوچک زیرساختی باز می گردد و از سوی دیگر، مالیات نیز خود یک عامل اساسی محیطی و موثر بر فضای کسب و کار شناخته می شود. از اینرو سیاستگذاران و برنامه ریزان باید بدانند هنگامی که مالیاتها ساده و عادلانه وضع شوند، هم بنگاهها و هم دولت از این موضوع نفع می برند. بنابراین رعایت نکات ذیل ضروری به نظر می رسد. تجمیع مالیاتها وضع و اجرای انواع متعدد مالیات، نیازمند تعامل بیشتر بنگاهها با ادارات امور مالیاتی خواهد بود. بر همین اساس بنگاهها عموماً از این مساله ناراضی هستند زیرا تنوع مالیاتها دردسر آنها را بیشتر می کند که این مساله در کشورهای فقیر و در حال توسعه بیشتر است (اداره کل امور مالیاتی استان آذربایجان شرقی، ۱۳۹۴).

اشتغال

در بسیاری از کشورهای درحال توسعه که سازمان توسعه صنعتی ملل متحد در آنها فعالیت می کند، ثابت شده است که بخش صنایع کوچک و متوسط می تواند نقش کلیدی در اشتغالزایی ایفا کند و نه تنها می تواند نیروی کار ناشی از رشد طبیعی را

جذب کند، بلکه نیروی کار مازاد شرکتهای دولتی ناشی از تعدیل اقتصادی با خصوصی سازی را نیز مشغول به کار خواهد کرد. همچنین تحقیقات نشان می دهد که بخش صنایع کوچک و متوسط در کشورهای توسعه یافته نیز به عنوان موتور محرک اصلی اشتغال محسوب می شود. در همین راستا افزایش رقابت پذیری صنایع کوچک و متوسط به یک مساله حیاتی تبدیل می شود. بدون یک بخش صنایع کوچک و متوسط رقابتی، امکان تسریع در اشتغالزایی که بطور جدی برای معکوس کردن روند فزاینده بیکاری در کشور مورد نیاز است، ممکن نخواهد بود. بدیهی است رقابت پذیری ارتباط مستقیم با "افزایش تولید"، "مدیریت کیفیت جامع" و مجموعه ای از سایر عوامل دارد. رقابت پذیری موجب بهره وری نیروی کار نیز می شود. در نتیجه هزینه کمتر و سود بیشتری به همراه دارد. از اینرو شانس موفقیت در بازارهای صادراتی را افزایش می دهد که به نوبه خود مسئله حائز اهمیت دیگری برای اقتصاد ایران است. یکی از عوامل اصلی رشد اقتصادی پایدار، توسعه صادرات است. مطالعات انجام شده نشان می دهد حدود ۱ درصد افزایش صادرات، ۰/۲ درصد افزایش رشد اقتصادی را در پی دارد (زولتان جی، ۱۳۸۳).

آموزش و توسعه منابع انسانی

بنگاههای کوچک و متوسط عامل جذب و اشتغال بخش عظیمی از جمعیت کشورها و آموزش نیروی کار ماهر هستند. تامین نیروی انسانی متخصص برای شرکتهای بزرگ توسط شرکتهای کوچک و متوسط صورت می گیرد. تحولات پیچیده و سریع چند دهه اخیر و نیز شتاب گیری روند جهانی شدن موجب شده است تا جوامع گوناگون تلاش کنند تا بیش از پیش خود را برای پذیرش تحول آماده کنند. آنچه که تا چند دهه پیش به عنوان یک امتیاز اقتصادی تلقی می شد، عبارت بود از برپایی و فعال نگهداشتن شرکتهای بزرگ و چنین استدلال می شد که هرچه این شرکتهای بزرگتر باشند، اقتصاد پویاتر و قدرتمندتر می گردد. باتوجه به این اهمیت و آثار اجتماعی - اقتصادی گسترش بنگاههای خرد و متوسط و نیز توجهی که درجهان امروز به آن می شود، اخیراً پرداختن به موضوع آموزش در جهت توسعه مشاغل خرد و متوسط در دستور کار قرار گرفته است. در این راه با برگزاری دوره های آموزشی، سمینارها، ارائه خدمات مشاوره ای و نیز ترویج و نشر مقالات و کتابها، تلاش می شود تا ابعاد گوناگون این پدیده به جامعه اقتصادی و صنعتی کشور شناسانده شود. به این ترتیب برنامه ای تدوین شده است تا در قالب آن یک رشته مقالات پژوهشی نوشته و انتشار یابد که علاوه بر اهمیت و مسایل این بنگاهها، تجربه دیگر کشورها را بویژه در زمینه بسترسازی برای فعالیت این گونه بنگاهها به زبانی ساده و روشن بیان نماید. گروه مطالعات SMEs در سازمان مدیریت صنعتی از اظهار نظر و کمکهای اندیشمندان، پژوهشگران و علاقمندان به مسائل بنگاههای خرد و متوسط استقبال می کند. باتوجه به مشکلاتی که این گونه بنگاهها با آنها روبه رو هستند، در کشورهای مختلف قوانین و تسهیلات گوناگونی برای حمایت از آنها به وجود آمده است و ایجاد فضای مناسب برای کمک به رشد و توسعه آنها یکی از مسئولیتهای اصلی دولتهاست (مردانی گیوی و ابراهیمی، ۱۳۸۲).

راهکارهای عملیاتی و اجرایی بهبود محیط کسب و کار

از جمله مشکلات فعلی دارای اولویت پیش رو در زمینه کسب و کارها، تعهدات بخش عمومی به آنهاست. بسیاری از قراردادهایی که دولت در خرید کالاها و خدمات برای تامین نیازهای خود داشته است، با عدم انجام تعهد مالی روبه رو بوده اند. این خود میتواند حیات اقتصادی فعالان اقتصادی را با چالش روبه رو نماید. ائتلاف زمان مدیران جهت پیگیری مطالبات، مختل شدن جریان نقدینگی بنگاه ها، پرداخت نشدن حقوق کارگران و صاحبان سهام شرکت ها، انتقال بدهی به تأمین کنندگان نهادها و سایر طلب کاران و مواجه شدن با جریمه تأخیر از جمله پیامدهای بی انضباطی مالی در بخش عمومی اقتصاد است. در حال حاضر در اسناد رسمی کشور هیچ اطلاع شفاف و مستندی از میزان تعهدات مالی دولت در دسترس نیست. در تحلیل های رسمی نیز نمی توان ردپایی از مسأله بدهیها یا دیون معوق دولت مشاهده نمود. به طور طبیعی، در چنین فضایی امکان چاره جویی به منظور کاهش مشکلات ناشی از تعهدات مالی بخش عمومی وجود ندارد؛ بنابراین، اولین گام برای ایجاد انضباط

مالی، اصلاح نظام بودجه ریزی، به نحوی است که در هر لحظه از زمان، حجم بدهیهای دولت مشخص باشد و برنامه زمانی دقیقی جهت پرداخت مطالبات بخش خصوصی در سند بودجه در نظر گرفته شود. لازم به ذکر است وزارت علوم و فناوری، با توجه به برنامه سوم توسعه بر آن شده بود تا بودجه ای را به کارآفرینی در دانشگاه های دولتی اختصاص دهد. ۱۳ دانشکده در ابتدا تحت این برنامه فعالیت داشته اند اما در انتها تنها ۳ دانشکده به جز دانشگاه های امیرکبیر و شریف در شهرهای اصفهان، شیراز و مشهد به صورت فعالانه تحت این برنامه فعالیت داشته اند. به نظر میرسد آنچه مانع از پیشبرد این برنامه ها شده است نبود هماهنگی بین بخش های مختلف و البته نبود زیرساخت ها برای کارآفرینی حتی در بین نسل جوان دانشگاهی کشور است.

شناسایی قوانین و مقررات مخل کسب و کار به منظور حذف یا اصلاح آنها

در جدیدترین نتایج نشست شورای عالی اصل ۴۴، معاون اول رئیس جمهور با اعلام اینکه شاخص فضای کسب و کار کشور در دو سال اخیر ۳۴ پله بهبود یافته است، گفت: شاخص تجارت فرامرزی کشور از وضعیت مناسبی برخوردار نیست. با تاکید بر اینکه بهبود فضای کسب و کار یکی از مهم ترین عوامل در ایجاد رونق اقتصادی کشور است گفت: از ابتدای دولت تدبیر و امید، بهبود فضای کسب و کار به عنوان یکی از اولویت ها مدنظر قرار گرفت و تلاش دولت این بوده که فضای مناسبی برای کسب و کار فعالان اقتصادی و بخش خصوصی فراهم کند. معاون اول رئیس جمهور، حذف ۴۵۰ مجوز زائد و بهبود ۳۴ پله ای شاخص فضای کسب و کار کشور در دو سال اخیر را نتیجه ای مثبت ارزیابی کرد و افزود: براساس گزارش دبیرخانه شورا، ۵۶۱ مصوبه مخل فضای کسب و کار تاکنون شناسایی شده که لازم است روند حذف یا اصلاح این مصوبات با جدیت بیشتری پیگیری و هرچه سریعتر اصلاحات لازم در این زمینه انجام شود. وی با اشاره به اینکه شاخص تجارت فرامرزی کشور از وضعیت مناسبی برخوردار نیست اظهارداشت: قابل قبول نیست که اراده ای در راس نظام به وجود آید اما به دلیل برخی کم کاری ها شاهد تحقق اهداف مورد نظر نباشیم. اینکه شاخص تجارت فرامرزی از وضعیت مناسبی برخوردار نیست، به هیچ وجه قابل توجیه نیست زیرا توسعه صادرات یکی از اولویت های اصلی کشور است که در اقتصاد مقاومتی نیز بر آن تاکید ویژه شده است؛ بنابراین به نظر می رسد شناسایی قوانین و مقررات مخل کسب و کار اهمیت بسیار ویژه ای دارد. در این راستا، سامانه شناسایی قوانین و مقررات مخل کسب و کار توسط وزارت امور اقتصاد و دارایی، معاونت امور اقتصادی راه اندازی شده است که ورود آن در دو قسمت "ورود به عموم" و "ورود دستگاه های اجرایی" میسر می باشد. این سامانه دارای فرمی است که طی آن میتوان علل اخلاص شامل اجمال، ابهام، تناقض، تداخل، ناقص بودن، عدم انطباق با شرایط اقتصادی روز و سایر موارد را به این وزارت ارسال نمود و پیشنهادی نیز در این راستا نگاشت.

الزام دولت به عملیاتی سازی الگوی ملی ایجاد پنجره های کسب و کار

استقرار پنجره واحد، می تواند تا حد زیادی فرایند ارائه و تسهیم اطلاعات را هم برای تاجران و هم برای مراجع دولتی روانسازی و تسهیل کند. برای بخش دولتی به طور مشخص، وجود پنجره واحد میتواند منجر به یکپارچگی بیشتر و موثرتر نظامها و فرایندهای موجود، تخصیص موثرتر و کاراتر منابع مالی و انسانی، اصلاح منابع درآمدی دولت، افزایش رضایت تجار، افزایش امنیت، افزایش یکپارچگی و شفافیت در امور، کاهش فساد اداری و توانایی استفاده از تکنیکهای پیچیده مدیریت ریسک و کنترل جریان امور شود. برای بخش خصوصی، استقرار پنجره واحد، مزایای نظیر ایجاد یک نقطه رسمی واحد برای ارائه یکباره همه اطلاعات و اسناد مورد نیاز به سازمانها و نهادهای دولتی، ایجاد نقطه کانون برای دسترسی تجار به اطلاعات روزآمد در خصوص قوانین تجاری جاری، کاهش هزینهها از طریق کاهش تاخیرها، تسریع در امور اظهار و ترخیص کالا، توضیح و تفسیر قابل پیشبینی قوانین، تخصیص موثر و کاراتر منابع و افزایش شفافیت شود (گل محمدی، ۱۳۸۸). به هنگام استقرار یک پنجره واحد، دولت و بخش خصوصی میتوانند از رهنمودها، استانداردها و ابزارهای موجودی که در طی سالهای گذشته از سوی سازمانها و نهادهای بین المللی نظیر آنکتاد، سازمان حمل و نقل دریایی، سازمان جهانی گمرک، اتاق بازرگانی بین المللی و کمیسیون اقتصادی اروپایی سازمان ملل توسعه یافته اند، استفاده کنند. استفاده از این استانداردها و ابزارها، تضمین خواهد

کرد که فرایندهای توسعه یافته برای استقرار پنجره ی واحد در آن منطقه یا کشور با سیستم‌های مشابه در سایر مناطق یا کشورها هماهنگی و انطباق بیشتری دارد و به این ترتیب تبادل اطلاعات با سایر پنجره واحدها در سطح بین المللی، در طول زمان امکانپذیر خواهد شد. به علاوه، استفاده از ابزارهای موجود و الگوهای بهینه، هزینه کلی اجرای پروژه را کاهش میدهد، چراکه مسیر اجرای پروژه در این شرایط بر مبنای کاری خواهد بود که قبلا از سوی سازمانهای بین المللی کامل شده است.

هشت گام اجرایی پیشنهادی مجلس شورای اسلامی برای بهبود محیط کسب و کار در ایران

طبق ماده چهار قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار (مصوب ۱۳۹۰)، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران وظیفه دارد که شاخص های ملی محیط کسب و کار را تعریف و اعلام کند در عین حال در همان ماده مطرح شده است که وزارت اقتصاد نیز وظیفه دارد در تبه ایران در گزارشهایی نظیر «سهولت انجام کسب و کار» را بهبود دهد. با توجه به کارکرد موفق شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی در دیگر کشورها، هنگام تصویب قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵، حکمی برای تشکیل شورای مشابهی در ایران به آن اضافه شد و در قالب ماده ۷۵ به تصویب نهایی رسید. براساس این ماده شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی به منظور تبادل نظر دولت و بخش های خصوصی و تعاونی و تسهیل فعالیت های اقتصادی این بخش ها، بررسی و رفع موانع کسب و کار و اتخاذ تصمیم مؤثر برای اقدامات لازم در چارچوب قوانین و مقررات موجود و ارائه پیشنهادها و راهکارهای اجرایی مناسب به مراجع ذیربط با حضور شش نفر از وزرا، چهار نفر از رؤسای کمیسیون های تخصصی مجلس شورای اسلامی، معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، دو نفر از معاونان رئیس قوه قضائیه و جمعی دیگر از مؤسسات عمومی غیر دولتی و بخش های خصوصی و تعاونی تشکیل شد. مهم ترین اقدام مجلس نیز تصویب قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار در سال ۱۳۹۰ بوده است که در ۲۹ ماده تهیه و تدوین شده است.

آزادکردن فعالیت های اقتصادی

طبق ماده ۳ سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، تبصره ۱- دولت مکلف است سهم، سهم‌الشرکه، حق تقدم ناشی از سهام و سهم‌الشرکه، حقوق مالکانه، حق بهره‌برداری و مدیریت خود را در شرکتها، بنگاهها و مؤسسات دولتی و غیردولتی که موضوع فعالیت آنها جزء گروه یک ماده (۲) این قانون است تا پایان قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی واگذار نماید. تبصره ۲- تداوم مالکیت، مشارکت و مدیریت دولت در بنگاههای مربوط به گروه یک ماده (۲) این قانون و بعد از انقضاء قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی و یا شروع فعالیت در موارد ضروری تنها با پیشنهاد دولت و تصویب مجلس شورای اسلامی و برای مدت معین مجاز است. البته همچنان در بسیاری از موارد این حق دولت است تا بتواند فعالیتهای اقتصادی را کنترل نماید اعم از: شبکه‌های مادر مخابراتی و امور واگذاری بسامد (فرکانس)، ۲۰٪ از سهم شبکه‌های اصلی تجزیه و مبادلات و مدیریت توزیع خدمات پایه پستی، بخشی از زمینه را آهن کشور طبق آئین‌نامه مشترک وزارت راه‌وتراوری و وزارت اموراتقصادی و دارایی، تولیدات محرمانه یا ضروری نظامی، انتظامی و امنیتی به تشخیص فرماندهی کل نیروهای مسلح^۱. به جز بخش تولیدات محرمانه و نظامی که در بسیاری از کشورها در دست دولت است، باید اذعان داشت که در صورت انحصار دولت در بخش های دیگر و عدم انتقال آن به بخش غیردولتی، رشد اقتصادی کشور مهیا نخواهد شد.

^۱ برگرفته از قانون اجرای سیاست های اصل ۴۴

ایجاد سازوکار ارتباط پس اندازه‌های عمومی و تولیدکنندگان ایرانی

بر اساس گزارش منتشره بانک مرکزی از نحوه توزیع تخصیص منابع مالی افراد، تنها ۱۲ درصد مردم امکان پس انداز کردن را دارند. براساس گزارش بانکداری الکترونیک، پس انداز بخشی از درآمدهای ذخیره شده و خرج نشده افراد است که افزایش پس انداز منجر به افزایش سرمایه گذاری می شود. پس انداز اساس توسعه در یک کشور است و هر کشوری که نسبت پس اندازش از دیگری بالاتر باشد، پیشرفته تر است و یکی از شاخص های توسعه در جهان بر همین مبناست. آمارها حکایت از این دارد که نسبت پس انداز به تولید ۳۲ به ۳۴ است که ۲۵ تا ۲۶ درصد آن موجب سرمایه گذاری می شود و هرچه قدر تورم بیشتر شود، نسبت پس انداز مردم رشدی منفی را طی خواهد کرد. عواملی مانند اشتغال زایی، کنترل تورم و یادگیری رفتار پس انداز به وسیله مردم باعث افزایش پس انداز و توسعه یک کشور می شود. نکته قابل توجه آنکه پس انداز اغلب در طبقه متوسط جامعه و در کشورهای صورت می گیرد که عرض طبقه متوسطشان بیشتر و درآمدهایشان بالاتر است. درصد توزیع افراد برحسب نحوه تخصیص منابع مالی که دفعتاً به دست آمده نتایج قابل توجهی را نشان می دهد. ۱۷.۴ درصد افراد مازاد درآمد خود را به پرداخت بدهی اختصاص می دهند. همچنین ۸.۹ درصد افراد برای خرید وسایل خانه و اساس منزل از آن استفاده می کنند. ۱۲ درصد به پس انداز منابع مالی شان در موسسات مالی و اعتباری اهمیت می ورزند؛ ۱۰.۸ درصد برای شروع کار از مازاد درآمد سود می جویند، ۰.۱ درصد درآمد اضافی خود را صرف خرید دلار می کنند؛ ۰.۵ و ۰.۸ درصد به ترتیب اوراق مشارکت و سهام می خرند؛ ۴.۲ درصد طلا می خرند؛ ۴.۶ درصد از مردم برای خرید اتومبیل از پس انداز خود بهره می برند. ۰.۵ درصد از مردم هم به منظور اخذ سود پول خود را نزد دیگران می گذارند؛ ۴.۶ درصد به نسبت مساوی با ذخیره مالی خود به مسافرت می روند و به علاوه آن را صرف امور خیریه می کردند و ۱.۹ درصد هم مازاد درآمد خود را صرف سایر امور می کردند. ملاک ۳۱ درصد افراد برای سپرده گذاری در موسسات مالی نرخ سود؛ ۲۹ درصد امنیت مکانی؛ ۱۳.۵ درصد نزدیکی محل؛ ۱۱ درصد اعتماد به آن بانک و ۷ درصد هم به پرسنل خوش برخورد اشاره کرده اند. نتایج نظرسنجی بانک مرکزی طی سال ۸۷ تا ۸۸ نشان از سرمایه گذاری پس اندازها در بازار مسکن دارد؛ به همین علت آمار ۲۵.۹ درصدی خرید زمین و ملک از رشد تقاضا در بازار مسکن حکایت دارد. با توجه به این آمارها میتوان نتیجه گیری کرد که اگر فرهنگ کسب و کار و شرایط اقتصادی در جامعه بهبود یابد، امکان اختصاص پس اندازهای افراد در کسب و کارهای خرد و متوسط فراهم خواهد شد. البته این خود مستلزم حصول اطمینان از سوددهی کسب و کار، شفافیت در انجام امور تجاری و قوانین و همچنین پیوند نزدیک تر دولت با افراد جامعه است.

نتیجه گیری

همانطور که ملاحظه گردید هرچند رتبه کلی کسب و کارهای خرد و متوسط در ایران در رتبه بندی سالانه بانک جهانی با یک واحد رشد روبه رو بوده است، در بسیاری از زیرشاخص ها با افت روبه رو بوده است. لذا ضرورت دارد فضای حاکم بر کسب و کار ایران به طور دقیق تری بررسی شود. چالش های حقوقی و غیر حقوقی بسیاری بر سر راه کسب و کارهای خرد و متوسط وجود دارد که در بخش حقوقی اعم هستند از موانع ناشی از مداخله نامناسب دولت یا بی توجهی دولت به بخش خصوصی، عدم پایبندی دولت به تعهدات خود، پراکندگی و تضاد قوانین، موانع مربوط به ضعف مالکیت فکری، موانع قضایی و ححل و فصل اختلافات و موانع مربوط به عدم عضویت ایران در سازمان جهانی مالکیت فکری و سازمان تجارت جهانی. چالش های غیر حقوقی نیز خود به کم رنگ تر شدن نقش این کسب و کارها در توسعه تجارت او اقتصاد ایران دامن زد اند. برخی از این چالش ها عبارتند از چالش های مدیریتی، اقتصادی، نبود آموزش های لازم، موانع مالی و موانع بازاری. هرچند نهادهای ذی ربط مانند کمیسیون کسب و کار، مجلس شورای اسلامی، وزارت های کار، بازرگانی و اقتصاد در این زمینه ها اقدامات موثری انجام داده اند با وجود این به نظر میرسد این اقدامات آنطور که باید مناسب و کافی نبوده اند. خوشبختانه در دولت فعلی تا حدودی قوانین مخل شناسایی شده اند و وزارت های اقتصاد و دارایی، کار، تعاون و بازرگانی بر آن شده اند تا با تشکیل جلسات منظم قوانین مخل کسب کار را شناسایی کرده و به رفع و اصلاح آنها بپردازند. علاوه بر آن بسیاری از مشکلات قانون تجارت در لایحه اصلاح قانون تجارت رفع گشته است. با توجه به افت رتبه ایران در بسیاری از شاخص های بانک جهانی، با وجود ارتقا یک واحدی

رتبه در سال ۲۰۱۶ و به خصوص با توجه به قرارگیری ایران زمان پسا تحریم و موقعیت فعلی این کشور لازم است نهادهای ذی ربط، مشکلات اصلی ای که در این زمینه بیان شد که عمده ترین آن مسائل تامین مالی است، به بررسی و رفع مشکلاتی که اشاره شد بپردازند. در نهایت برای بهبود این کسب و کارها در این نیز توصیه هایی در بازه زمانی کوتاه بلند به عمل می آید که در صورت اتخاذ آنها، رتبه ایران با بهبود چشمگیری در رتبه بندی بانک جهانی مواجه خواهد شد. عمده این پیشنهادات در بخش قانونی و حقوقی شامل بهبود محیط قضایی و رسیدگی های قضایی، از بین بردن ریشه ای فساد اداری و فساد در دستگاه ها، تسریع در عضویت ایران به سازمان جهانی مالکیت فکری و سازمان جهانی تجارت، روان سازی و انعطاف پذیری قانون کار، الزام دولت به عملیاتی کردن الگوی پنجره واحد کسب و کار، بهبود شرایط قانونی لازم برای جذب سرمایه گذاری خارجی، اتخاذ برنامه های راهبردی برای پرداخت معوقات دولت به نهادهای داخلی، اصلاح سیاست های اقتصادی، بهبود قوانین بانکی و پولی، تسهیل دریافت اعتبار برای دارندگان کسب و کار و در نهایت حمایت صحیح از سرمایه گذاران در جهت حرکت به سوی اقتصاد آزاد می باشد. در بخش های دیگر نیز توصیه میشود زیرساخت های فناوری و صنعتی در بخش های اصلی و فرعی ارتقا پیدا نموده و همکاری کارشناسان داخلی و خارجی جهت به روز نمودن آموزش های فناوری، کارگاهی، مدیریتی و آموزش های حین کار تقویت شود. علاوه بر آن لازم است برای بسیاری از نهادهای موجود که با افت کیفیت روبه رو شده اند به طور خاص ظرفیت یابی شده و جهت ایجاد بنگاه های خرد و متوسط جدید ظرفیت سازی شود. ایجاد همکاری بین دانشگاه ها و بنگاه ها و همچنین ابداع سیستم های انگیزشی برای نیروی جوان و کارآفرین کشور از دیگر اقداماتی است که بر عهده نهادهاست تا بتوانند رتبه ایران را در فضای کسب و کار بهبود بخشند.

منابع

۱. احمد پور داریانی، محمود؛ داوری، علی؛ رمضان پور نرگسی، قاسم. (۱۳۸۸). محیط مساعد کسب و کار، پیش نیاز توسعه کارآفرینی در ایران، مطالعات مدیریت بهبود و تحول: شماره ۶۱.
۲. اداره کل امور مالیاتی استان آذربایجان شرقی. (۱۳۹۴). نقش مالیات در بهبود فضای کسب و کار، پایگاه اطلاع رسانی اداره کل امور مالیاتی استان آذربایجان شرقی.
۳. بیدختی، امین؛ زرگر، سید مجتبی. (۱۳۹۰). بررسی موانع موجود در توسعه بنگاه های کوچک و متوسط (SMEs) و ارائه چارچوب حمایت از این بنگاه ها کار و جامعه (بررسی موردی: استان سمنان)، شماره ۱۳۸.
۴. تکیه، مهدی؛ برادران شرکاء؛ حمیدرضا؛ حسن پور، یوسف؛ نورزی، بینا؛ دولتی. (۱۳۸۷). بهزاد شناسایی مشکلات و مزیت رقابتی در حوزه بازرگانی، دبیرخانه ی مجمع تشخیص مصلحت نظام کمیسیون اقتصاد کلان، بازرگانی و اداری کمیته ی اقتصاد و تلفیق.
۵. جواد دلجویی، شهیر. (۱۳۹۲). آسیب شناسی وضعیت کنونی بازار کار و راهبردها و راهکارهای توسعه کارآفرینی و اشتغال، تهران ۱۳.
۶. خلیلی، فرید؛ ایاسه، علی؛ رضایی، بشری؛ حیدری، سمیه. (۱۳۹۴). فضای کسب و کار در استان کرمانشاه: وضعیت و جایگاه آن در کشور، مجموعه مقالات دومین همایش ملی بهبود محیط کسب و کار (جلد دوم)، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی (دفتر پایش و بهبود محیط کسب و کار و دبیر خانه شورای عالی اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی).
۷. زولتان جی، اکس. (۱۳۸۳). صنایع کوچک و رشد اقتصادی، مقاله تول از کتاب نقش صنایع کوچک در اقتصاد مدرن، مترجم: جهانگیرمجیدی، چاپ دوم، تهران: موسسه فرهنگی رسا.
۸. شرکت مهندسی مشاور حاسب سیستم. (۱۳۹۰). پروژه تحقیقاتی: تدوین استراتژی توسعه کسب و کارهای خرد و متوسط حوزه فاوا، مرکز تحقیقات مخابرات ایران. به نقل از: معاونت پژوهش های اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی، بررسی مقررات توسعه کارآفرینی و نقش اداره کسب و کارهای کوچک در آمریکا، مرداد ماه ۱۳۹۳.
۹. قیصری، تقی. (۱۳۹۰). آسیب شناسی توسعه خوشه های کسب و کار در ایران برای ارائه به مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام. نشست تخصصی معاونت پژوهش های اقتصادی.

۱۰. گل محمدی، حمید؛ کرمی، میترا. (۱۳۸۸). پنجره واحد ضرورت ورود به دروازه های تجارت جهانی، نشریه تدبیر، شماره ۲۱۱.
۱۱. مردانی گیوی، اسماعیل؛ ابراهیمی، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). جایگاه شرکتهای کوچک و متوسط در نظامهای اقتصادی اجتماعی تدبیر شماره ۱۳۲.
۱۲. مظفری، مهدی. (۱۳۸۶). صنایع کوچک در اقتصاد امروز تهران: مازیار. به نقل از علی اکبر امین بیدختی، سیدمجتبی زرگر.
۱۳. موسوی، کلثوم السادات. (۱۳۷۹). بررسی تطبیقی موانع شناسایی و اجرای آرای داوری تجاری خارجی در کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک و قانون داوری تجاری بین المللی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، مرکز تحصیلات تکمیلی حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه: دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.
۱۴. نصیری اقدم، علی. (۱۳۸۸). چارچوب طرح بهبود محیط کسب و کار و چگونگی اصلاحات، بولتن تخصصی اقتصاد ایران، مرکز پژوهش های مجلس ۱۳۸۸ به نقل از محمود احمد پور داریانی، علی داوری، قاسم رمضان پور نرگسی، محیط مساعد کسب و کار، پیش نیاز توسعه کارآفرینی در ایران، مطالعات مدیریت بهبود و تحول. شماره ۶۱.

15. Wilkinson, T. & Brouthers, L. E. (2006). Trade promotion and SME export performance. *International Business Review*, 15, 233–252.

Appropriate of legal infrastructure to enable small and medium businesses

Seyedeh Armaghan Azhar

M.Sc.international trade of law, Allameh Tabatabai`s university, Tehran,Iran

Abstract

World Bank annual report in the form of doing business out of 189 countries compiled and the indicators such as getting credit, starting a business, registering property, getting building permits, getting electricity, liquidation activity, protection of investors and pay taxes, specifies the rank countries on a global level. Unfortunately, Iran in 2016, in many of the indicators in particular, had a loss position. General and specific policies in the public sector, conflict of laws, lack of specialized courts, weak judicial and administrative systems that are part of the obstacles that have been identified by the relevant institutions. In this regard, though in recent years the relevant institutions aims are to eliminate barriers to business were, however, seem necessary legal restrictions on the businesses to be more closely examined fall. In this study, the legal obstacles in the way businesses and solutions for quick and massive improvement in these businesses has been suggested that most of the proposals in the legal include improving the judiciary and judicial proceedings, removing the roots of corruption, and corruption, ease and flexibility of labor law, the obligation of the state to the operation of the single window business, improve the legal conditions necessary to attract foreign investment, adopting strategic plans for deferred payment of the domestic institutions, reform of economic policies, improved monetary and banking laws, facilitating received Credit for business owners and the proper protection of investors is to move towards a free market economy. In other parts of the IT infrastructure and industrial sectors also recommended major and minor upgrade, and domestic and foreign experts working to update technology training, workshops, training management and work to strengthen it.

Keywords: annual ranking of the World Bank, the legal infrastructure, laws governing businesses, small and medium businesses, legal obstacles.
